

پاسخ مریم نمازی به نامه های رسیده

۱- خالد از ترکیه نوشته است: " ۹ ماه است خودم را به سازمان ملل در ترکیه معرفی کردم. یک ماه پیش در آنکارا مصاحبه شدم. وکیلیم مراد بوده که متاسفانه ایشان بسیار نا محترمانه با من رفتار کردند و به من توهین کردند. به جای مصاحبه از من به محاکمه من پرداخت. من بسیار از مشکلاتم را نتوانستم بیان کنم و مدارک هم داشتم اما آنها را ارائه ندادم و آن مدرک مال همسرم بود از بیمارستان کرمانشاه که بعد از فرار من، همسرم توسط اطلاعات ایران دستگیر شده بود و چون وی را بسیار اذیت کرده بودند، متاسفانه بچه ۴ ماهش را از دست داده بود. من بعد از مصاحبه همان روز نامه اعتراض به دفتر آنکارا نوشتم. وقتی به وان برگشتم به دفتر وان هم گزارش کردم ولی متاسفانه تا حالا هیچ کمکی از طرف سازمان ملل به من نشده است. در ضمن من هنوز جواب نگرفتم. اگر توانستید، مرا راهنمایی کنید. بسیار ممنون می شوم."

مریم نمازی: خالد عزیز، با درودهای گرم. از مشکلاتی که داشتید و دارید واقعا متاسفم. اینکه افراد بیشماری مانند شما مجبور می شوند از شرایط غیرقابل تحمل تحت حاکمیت جمهوری اسلامی فرار کنند و در کشوری که پناه می بردند نیز باز تحقیر و توهین و اذیت و آزار روبرو می شوند واقعا قلب هر انسانی به درد می آید. کلا سیاست دولتها و سازمان ملل این است که با توهین و تحقیر و پروسه طولانی و غیرعادلانه، تحمیل شرایط فلاکت بار و غیره کسانی که توانستند فرار و خود را معرفی کنند را رد و دیپورت کنند و یا کاری کنند که خود آنها "داوطلبانه" برگردند. این سیاست نیز مانع فرار دیگران هم می شود چون کسی دیگر بقبول آنها نخواهد خواست به چنین شرایطی پناه ببرد. راه مقابله با این شرایط را هم بارها گفته ایم، اما بگذارید چند نکته را در این باره مجددا تاکید کنم:

الف. وکیلی که با شما و کلا پناهجویان در ترکیه و کشورهای هم جوار مصاحبه می کند وکیل شما نیست بلکه وکیل خود سازمان ملل یا بعبارتی دیگر دادستان سازمان ملل است. هدف اصلی اش این است که سهمیه ردی را بالا ببرد. هر چقدر به شما توهین کند و اجازه ندهد دلایل فرارتان را خوب توضیح دهید، می تواند شما را راحتتر رد کند، به ردی اش حقانیت ببخشد و دلیل ردی را نتیجه کیس تان و نحوه ارائه اش از سوی شما بداند. وکیل سازمان ملل خوب می داند که برای ارائه دلایل حساس مانند فرار، فضایی آرام، عادلانه و غیر جانبدار لازم است و به همین دلیل هم سعی می کند

فضای مصاحبه را آنقدر متشنج کند که به نفع سیاست ردی و سازمانش و به ضرر شما و کلا پناهجویان باشد. شما نه اولین کسی هستید که می‌گویید مصاحبه‌ها مانند بازجویی است و نه آخرین. این جزیی از نحوه مصاحبه آنها است. همانطور که بازجوهای زندان از تاکتیکهای متفاوتی استفاده می‌کنند تا فرد را خرد کند، در این مصاحبه هم وکیل سازمان ملل از تاکتیکهای متفاوتی استفاده می‌کنند تا پناهجو را خرد کند. بنظم برای دفاع از خود، مهم است که هر کسی که برای مصاحبه آماده میشود، خود را با وقوف کامل به شرایط ضد انسانی این بازجویی آماده کند تا این توهم که گویا اینها نهادی حقوق بشری و انسانی هستند. وقوف به این واقعیت، لااقل تجربه نشان داده است که با آمادگی بیشتری فرد را با واقعیت مواجه میکنند.

ب. باید به طرق مختلف جلو این سیاست را گرفت. بنظم خود شما و کلا تمام پناهجویان باید بعد از هر مصاحبه و یا تماس با سازمان ملل در یک دفترچه مخصوص این کار، برخوردها و توهینها و ضرب و شتمهای گاردهای دم در و منشی‌ها و مترجمها و وکیلهای سازمان ملل را بنویسید. باید علیه اینها مدرک جمع شود تا بشود سیاستشان را تغییر دهیم. کافی نیست بگویید توهین شده است. روزش، تاریخش، اسم کامل افراد و مقامش، و جزییات توهین و تحقیرش را باید نوشت. آنها را جمع کرد و برای فدراسیون فرستاد. تصور کنید اگر ۱۰۰۰ مورد اینچنینی را مستند کنیم، حتما میتوانیم با استناد به این مدارک سازمان ملل را مجبور به تغییر سیاستش کنیم.

پ. مثل شما، به خیلی‌ها فرصت اینکه کلیات دلایل فرار را مطرح کنند داده نمی‌شود. این هم جزیی از سیاست آنهاست. اما در این مورد چکار می‌شود کرد؟ وقتی به مصاحبه میروید، بخواهید که نوشته‌های وکیل برای شما بازخوانده شوند، خودتان در طول مصاحبه نکات مهم را بنویسید، اسم کامل مترجم و وکیل را بگیرید، و و. می‌دانم امکان دارد نگذارند خیلی از این کارها را انجام دهید اما همه پناهجویان باید سعی کنند وکیل و مدافع خود باشند و مثل وکیل از خود دفاع کنند. چهارچوب و پروسه تصمیم‌گیری سازمان ملل را هم برای شما در سایت اینترنتی فدراسیون ترجمه کردیم. شما میتوانید از آن برای دفاع از خود استفاده کنید. بعد از هر مصاحبه نیز، تمام اطلاعاتی که مطرح کردید و سوالاتی که از شما شده است را در جزییات بنویسید. چیزهایی که نتوانستید مطرح کنید را بنویسید. هر اطلاعات جدیدی هم بدستتان می‌رسد را در این دفترچه بنویسید. باید خودتان بهترین و هوشیارترین مدافع خود باشید. همیشه مدرک به نفع خود در این کتابچه جمع کنید – مشکلات با وکیل، اشتباهات مترجم، مدت کوتاه مصاحبه و و. اینها برای نامه فرجام و تقاضای

بازگشایی پرونده مهم اند و اینها را در همین پروسه ها مطرح کنید. بعد از مصاحبه اول، تمام اطلاعاتی که نتوانستید مطرح کنید را در یک نامه نفرستید. چون کلا اولین مصاحبه اصولاً ردی است و این اطلاعات مبنای ردی می‌شود و بعد به شما مصاحبه دومی نخواهند داد. سازمان ملل قرار نیست شما را کمک کند. خودتان باید خودتان را کمک کنید.

ت. و اما مهمترین نکته این است که نمی‌توانید در این دوره به تنهایی از خودتان دفاع کنید. آنها افراد را خرد می‌کنند، داغان می‌کنند و ناامید می‌کنند. بعضی‌ها در اولین مصاحبه قبول می‌شوند اما وقتی به این معضل اجتماعی نگاه می‌کنید باید آن را در سطح اجتماعی و ماکرو بررسی کرد. در کلیت تعداد ناچیزی قبول می‌شوند و کلا سیاست، سیاست ردی است و اکثراً رد و دیپورت می‌شوند و یا قبول و اعزام نمی‌شوند. نمی‌شود به تنهایی به جنگ سیاستی رفت. بنظرم در این دوره باید به فدراسیون پیوست. باید عضو شد، باید نشریه اش را بدست تمام آشنایان و دوستان رساند، و باید از این طریق به یک جنگ و تعرض موثر دست زد.

۲- خ. از ایران نوشته است: "هموطن عزیز، سلام. چرا در مورد ۳ جوان ایرانی به اسامی همایون رشدی بیگی، علیرضا سلیمانی تبر و محسن عجدانی که در ازمیر ترکیه و یونان ناپدید شدند در زندانها تحقیق نمی‌کنید؟ ما به کی پناه ببریم؟ وضع مالی مان آنچنان نیست که بتوانیم وکیل بگیریم. ما به شما پناه می‌بریم اما شما رسیدگی نمی‌کنید. اقلاً به خبرگزاریهای ازمیر و یونان و به پلیس اینترپول آن دو کشور که شما امکانات دارید تماس بگیرید و این ۳ خانواده بدبخت را از نگرانی در ایران نجات دهید و یا شماره پلیسهای بین المللی این کشورها را اگر محبت کنید بگیرید و برای ما بفرستید. ممنون می‌شویم."

مریم نمازی: دوست عزیز، با سلامهای گرم. از اینکه این ۳ جوان عزیز ناپدید شده اند واقعا متاسفم. فدراسیون اسامی آنها را در نشریه همبستگی هفتگی منتشر کرده بود. ما امیدوار بودیم با دیدن اسامی آنها، کسانی با ما تماس می‌گیرند و ما را در جریان شرایطشان می‌گذارند. در نامه قبلی ام، من این را به شما اطلاع دادم. متاسفانه کسی با ما تماس نگرفته است. برای تسریع کار این جستجو توصیه میکنیم که با سازمانهایی که به گونه حرفه ای به دنبال گمشدگان میگردند تماس بگیرید. امکانات آنها برای چنین امری بیش از ماست. برای مثال می‌توانید با صلیب سرخ که در ایران هم دفتر دارد و کلا یکی از کارهایش پیدا کردن افراد می‌باشد تماس بگیرید. آنها نیز به

زندانه‌ها دسترسی دارند. ما تلاش خود را به انحا مختلف برای یافتن این ۳ جوان انجام دادیم. بهررو دوست عزیز، امیدوارم که هر چه سریعتر این عزیزان را پیدا کنید. با آرزوی موفقیت برای شما.